

خبر	
راستی آزمایی یک ادعا	
عبدالملکی: کسی بابت قطع اینترنت بیکار نشد	
	
در حالی که هشتاد و پنج روز از قطع اینترنت در ایران می‌گذرد؛ وزیر کار دولت سیزدهم با دفاع تلویحی از قطع اینترنت اعلام کرده است کسی به دلیل قطعی اینترنت بیکار نشده است. به گزارش خبرآنلاین، حجت‌الله عبدالملکی، وزیر کار دولت سیزدهم به تازگی گفته است: «این که گفته می‌شود افرادی که در اینستاگرام پیج فروش داشته‌اند با بسته شدن این فضا بیکار شده‌اند، صحیح نیست. این افراد فعالیت خود را به سکوهای داخلی منتقل کرده‌اند و همچنان در حال فروش هستند.» او افزود: «این‌ها که به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها جنس نمی‌فروختند. بسیاری از این کسب‌وکارها مخاطبشان مصرف‌کنندگان داخلی بوده‌اند، نه بازار خارجی. با محدود شدن اینستاگرام، فعالیت آن‌ها متوقف نشده، بلکه به پیام‌سان‌ها و پلتفرم‌های داخلی مانند روبیکا، ایتا و سروش منتقل شده است و مشتریان خود را دوباره پیدا کرده‌اند.» این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد حتی کوچ کسب و کارها به سکوهای داخلی در شرایط اینترنت بابت تداوم فعالیت که تلاش برای بقاست و قطع اینترنت ارتباط مشتریان با صاحبان کسب و کار را مختل کرده چرا که ورودی بسیاری از سایت‌ها پیش از این بر پایهی سرچ گوگل بود. بررسی‌های نشان می‌دهد هنوز نه فقط فعالان بخش خصوصی که حتی وزیر ارتباطات و معاون وزیر نیز خسارت ناشی از اینترنت را تأیید کرده و ارقامی در این زمینه اعلام کرده‌اند. وزیر ارتباطات خسارت ناشی از قطع اینترنت به اقتصاد دیجیتال را روزانه ۵۰۰ میلیارد تومان و خسارت وارده به کلیت اقتصاد را روزانه پنج هزار میلیارد تومان اعلام کرده است. از سوی دیگر نیا قاضی، رئیس انجمن الکترونیک تهران به تازگی اعلام کرده یک نظرسنجی انجام شده است از شرکت‌هایی که کانال تبلیغات پیامکی آنها پس از شروع جنگ همچنان فعال بود. از این طریق از آنها دعوت کردیم در مطالعه شرکت کنند و در نهایت ۹۶۶ شرکت در این نظرسنجی حضور داشتند. ۸۰ درصد این شرکت‌ها اعلام کردند پس از شروع جنگ بیش از ۵۰ درصد کاهش فروش داشته‌اند. وقتی کانال‌های ارتباطی آنها را بررسی کردیم، مشخص شد به طور میانگین ۷۵ درصد ارتباط این شرکت‌ها با مشتریان‌اش از طریق سه کانال اینستاگرام، تلگرام و واتساپ بوده است؛ یعنی با اختلال ایجاد شده عملاً ۷۵ درصد کانال ارتباطی خود را از دست داده‌اند. رضا الفت‌نسب نیز خسارت ناشی از قطع اینترنت را برای کسب و کارهای اینترنتی بسیار بالا توصیف کرد و پیش از این به خبرآنلاین اعلام کرد: قطع اینترنت، فروش اینترنتی را ۷۵ درصد کاهش داده و ۲۰۰۰ شرکت فقط ۱ تا ۲ ماه تاب‌آوری دارند. در عین حال موج تعدیل نیرو حتی در فروشگاه‌ها و پلتفرم‌های اینترنتی آغاز شده است. مجتبی میرجعفری، رئیس کمیسون اینترنت اشیا سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران، از تعدیل گسترده در این بخش خبر داده و می‌گوید در برخی شرکت‌ها، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد نیروی انسانی تعدیل شده‌اند؛ رقمی که نشان‌دهنده عمق بحران در این صنعت است. یک فروشگاه بزرگ اینترنتی نیز تعدیل دویست نیروی کار خود را تأیید کرد. این وضعیت در فروشگاه‌های خردی که در اما و ارقام ثبت نشده‌اند بیش از این میزان است. در مرداد ماه سال گذشته یکی از شرکت‌های ایرانی که ابزار Social Listening را اختیار کسب‌وکارها و سازمان‌ها قرار می‌دهد، گزارش سال خود را منتشر و در این گزارش اعلام کرد چیزی در حدود ۳.۷ میلیون کسب‌وکار فعال در اینستاگرام وجود دارد که ۳۳ درصد در حوزه مد و پوشاک، ۲۵ درصد در بخش زیبایی و سلامت و ۱۲ درصد در حوزه خوراکی‌ها فعالیت می‌کنند. به این ترتیب به وضوح معیشت نزدیک به چهار میلیون ایرانی با قطع اینترنت در معرض خطر قرار گرفته که رقم اندکی نیست. مشخص نیست مبنای آماری وزیری که مدعی بود با یک میلیون تومان امکان ایجاد شغل وجود دارد چیست اما آمارهای ارائه شده از سوی همان وزارتخانه‌ای که وی در قامت وزیر در ان حضور داشت، ۲۲۳ هزار نفر پس از پایان جنگ چهل روزه درخواست بیمه بیکاری داده‌اند. باید در نظر داشت صاحبان کسب و کارهای کوچک در فضای مجازی حتی این امکان را نیز ندارند. وزیر کار دولت ریسی به کمتر از یک سال در مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود و به سرعت از قطار کابینه پیاده شد. پیش از این نیز ادعاهای جنجالی دمطرح کرده است. وی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ در توییپ نوشت: با یک میلیون تومن هم می‌شود کار تولیدی کرد. حتما می‌پرسید چگونه؟! حق دارید! آموزش نداده‌ایم! این نوشته موجی از انتقاد را پرتابقتد اما عبدالملکی با دفاع از ادعایش در سال ۱۴۰۰ هم این ادعا را تکرار کرد. عبدالملکی عمرداد ۱۴۰۰ نیز گفت: صنعت خودروسازی کره جنوبی به دلیل «ابعاد درب پارکینگ‌ها» در این کشور رشد کرده‌است، چرا که درب پارکینگ‌ها در خانه گران‌های به اندازه‌ای کوچک طراحی و ساخته می‌شود که ماشین‌های بزرگ آمریکایی از آن‌ها عبور نکنند و شهروندان مجبور شوند خودروهای ساخت کره را خریداری کنند.	

در حالی که بازارها پس از تنش‌های نظامی اخیر در بلاتکلیفی به سر می‌برند، کارشناسان شکاف معناداری میان ارزش ذاتی و قیمت واقعی دلار قائل هستند. سجاد ربوبیور کارشناس بازارهای مالی در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز عنوان کرده است که قیمت دلار در صورت بهبود فضای سیاسی تا ۲۸ درصد افت می‌کند. به گزارش تجارت‌نیوز، پس از عبور بازارها از شوک‌های اولیه ناشی از جنگ و تنش‌های نظامی، اکنون پرسش‌های زیادی درباره چشم‌انداز آینده بازار ارز پیش روی فعالان اقتصادی است. این در حالی است که قیمت دلار تنها در یک ماه اردیبهشت، ۲۸ هزار تومان رشد کرد و بازدهی ۱۸ درصدی را به ثبت رساند؛ رشدی که با وجود انتظارات تورمی و فضای پرریسک سیاسی، کمتر از تصور معامله‌گران بود و بسیاری انتظار داشتند پس از جنگ، فتر دلار رشد و قیمت جهش بیشتری را تجربه کند. از سوی دیگر، تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد دلار معمولاً در همین مقطع زمانی، یعنی سه‌ماهه ابتدایی سال، بیشتر در فاز فریز و نوسان محدود قرار داشته و حرکت‌های اصلی را به ماه‌های بعد موکول می‌کند.

با وجود رخدادهای سیاسی اخیر، قیمت دلار در حال حاضر از ارزش خود فراتر رفته و دچار حباب است

در همین راستا سجاد ربوبیور کارشناس بازارهای مالی با اشاره به اینکه ارزش ذاتی دلار روی کاغذ تا پایان سال ۱۴۰۵ حدود ۱۳۰ هزار تومان برآورد می‌شود، به

با نزدیک شدن به خردادماه و آغاز سنتی فصل جابه‌جایی‌ها در بازار مسکن، شمارش معکوس برای یکی از تلخ‌ترین دوره‌های معیشتی جمعیت عظیمی از شهروندان کشور آغاز شده است. مسکن که بر اساس قانون اساسی باید به عنوان یک نیاز اولیه و حق همگانی تضمین شود، امروز به بزرگ‌ترین دغدغه، عامل اصلی استرس روانی و شتاب‌دهنده سقوط طبقاتی خانوارهای ایرانی تبدیل شده است.

به گزارش اقتصاد۲۴، بازار اجاره‌رها در شرایطی به نقطه صفر نقل‌وانتقالات سال ۱۴۰۵ نزدیک می‌شود که شکاف میان واقعیت‌های سخت اقتصادی و سیاست‌های حمایتی دولت، بیش از هر زمان دیگری دهان باز کرده است. گزارش‌های میدانی و تحلیل آمارها نشان می‌دهند که مستاجران در بن‌بست ناشی از سه ضلع نابرابر گرفتار شده‌اند: افزایش سرسام‌آور قیمت اجاره‌ها، تورم عمومی مهارناپذیر و تسهیلاتی که در بهترین حالت، تنها مسکنی بی‌اثر بر دردی مزمن به شمار می‌روند. در این میان، جریان‌های سیاسی-اقتصادی حاکم با اتکا به مسکن‌های موقتی و سیاست‌های دستوری، عملاً چشم خود بر روی بحران زیست شهری و تغییر بنیادین الگوی سکونت اقشار فرودست و متوسط جامعه بسته‌اند.

شکاف عمیق ارقام؛ تسهیلات ودیعه، شوخی با تورم است؟

تصویر کلان اقتصاد مسکن، نشان‌دهنده یک ناترازی فاحش میان قدرت خرید مردم و تصمیمات پشت‌درهای بسته شورای عالی مسکن است. بر اساس آمارهای منتشر شده، دولت سقف وام ودیعه مسکن در پایتخت را به رقمی حدود ۴۶۵ میلیون تومان رسانده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نرخ رشد این تسهیلات حمایتی نزدیک به ۳۳ درصد بوده است. در نگاه نخست و در پیاپیانه‌های رسمی، این رشد ۳۳ درصدی ممکن است گامی به جلو توصیف شود، اما در میدان واقعیت، این رقم در برابر موج توفنده هزینه‌ها ناچیز است.

طبق آزرپای‌های کارشناسی و اذعان فعالان بازار، مستاجرانی که این روزها برای تمدید یا جابه‌جایی به مشاوران املاک مراجعه می‌کنند، با پیشنهادهایی مواجه می‌شوند که به طور میانگین حکایت از افزایش ۷۰ درصدی قیمت اجاره‌ها نسبت به سال گذشته دارد. این بدان معناست که نرخ رشد تسهیلات اعطایی دولت (۳۳ درصد) حتی نصف میزان افزایش واقعی هزینه‌های تحصیل‌شده به مستاجر (۷۰ درصد) را پوشش نمی‌دهد.

از سوی دیگر، شاخص‌های کلان اقتصادی عمق این فاجعه را بیشتر نمایان می‌سازند. با اینکه نهادهای آماری تلاش دارند تورم بخش مسکن را در کانال‌های پایین‌تری ارائه دهند، اما نرخ تورم عمومی کشور که بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای و برآوردهای مستقل در فروردین ۱۴۰۵ تورم نقطه به نقطه عمومی آن به عدد چشمگیر ۷۳.۵ درصد رسیده است، نشان می‌دهد که این تسهیلات ناچیز حتی با نصف تورم رسمی کشور نیز همخوانی ندارد. به زبان ساده‌تر، دولت با ابزارهای پولی ضعیف به جنگ غول تورمی رفته است که پیش از آغاز نبرد، برنده آن مشخص نیست که درامدشان همگام با خط تورم رشد نکرده است.



اجاره خانه ۷۰ درصد گران شد، وام فقط ۳۳ درصد

شمارش معکوس کابوس مستاجران

بازار اجاره در آستانه فصل جابه‌جایی‌ها به نقطه انفجار رسیده و وام‌های کم‌اثر، تورم افسارگسیخته و رشد سرسام‌آور اجاره‌ها، مستاجران را میان اتاق‌های چندمتری، حاشیه‌نشینی و سقوط طبقاتی گرفتار کرده است.



پایان اثربخشی نرخ‌گذاری‌های دستوری؛ ووترینی برای قرار از مسئولیت

سیاست‌گذار اقتصادی در سال‌های گذشته، همواره ساده‌ترین مسیر را برای کنترل بحران انتخاب کرده است، یعنی «تعیین سقف دستوری برای افزایش اجاره‌ها»، سنتی که از دوران شیوع کرونا در سال ۱۳۹۹ پایه‌گذاری شد و برای امسال نیز سقف مجاز افزایش در تهران ۲۵ درصد اعلام شده است. اما آیا این رویکرد دستوری در بازار موثر بوده است؟

روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی با عنوان «بازار اجاره به نقطه صفر نزدیک‌شد»، پاسخ صریحی به این پرسش می‌دهد. بررسی‌های میدانی ثابت کرده‌اند که میزان افزایش واقعی قیمت‌ها در بنگاه‌های املاک، معمولاً دو تا سه برابر رقم نرخ‌گذاری‌های دستوری دولت است. کارشناسان اقتصادی بارها هشدار داده‌اند که بازار مسکن و اجاره، جزیره‌ای مستقل نیست که بتوان با بخشنامه و اهرم‌های تعزیراتی آن را مدیریت کرد. بازار اجاره، تابع مستقیم متغیرهای کلان‌تری همچون انتظارات تورمی، رشد بازارهای موازی ارز، طلا و خودرو، نرخ سود بانکی و از همه مهم‌تر نرخ تورم عمومی است. وقتی مالک یک واحد مسکونی می‌بیند که هزینه‌های معیشتی و عمومی او بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته، هرگز به قانون مجازات و شکایت ۵ ساله مستاجر در شورای حل اختلاف تن نمی‌دهد و

راه‌های موازی را برای دریافت ارزش واقعی ملک خود پیدا می‌کند. در نتیجه، سیاست تعیین سقف ۲۵ درصدی عملاً به یک ویتربن اداری تبدیل شده که تنها خروجی آن، افزایش قراردادهای زیرزمینی، عدم تمدید قرارداده‌ا و تشدید تنش میان موجر و مستاجر است.

کوچ به اتاق‌های ۴ متری برای بقا

یکی از هولناک‌ترین پیامدهای این نابرابری اقتصادی، دگرگونی بی‌سابقه در ساختار زیست شهری پایتخت است. طبقه متوسط و فرودست جامعه که دیگر توان پرداخت اجاره‌بهای واحد‌های آپارتمانی مستقل و استاندارد را ندارد، به ناچار تن به تغییر الگوی سکونت داده است؛ تغییری که بوی «تنزل کرامت‌آسانی» می‌دهد. به گزارش رسانه‌ها، رشد چشمگیر آگهی‌ها و فایل‌های اجاره اتاق‌های ۴ تا ۱۵ متری در ساختارهای فرسوده و خانه‌های قدیمی تهران مصداق این مدعا است. این فضاها که پیش از این به عنوان انباری یا آشپزخانه‌های متروکه استفاده می‌شدند، امروز پناهگاه کارگران، رانندگان پلتفرم‌های اینترنتی، مجردها و حتی سالمندانی شده‌اند که از بازار اصلی مسکن به بیرون پرتاب شده‌اند.

اشتراک در سرویس بهداشتی، حمام و آشپزخانه میان چندین مستاجر در یک ملک فرسوده، سیمای جدیدی از فقر مدرن شهری را در پایتخت به تصویر کشیده است. این پدیده، دیگر یک انتخاب برای زندگی مجرّبی یا دانشجویی نیست، بلکه تلاشی مایوسانه برای

همین موضوع می‌تواند در شرایط نااطمینانی، حساسیت بازارهای کالا، ارز، طلا و دارایی را نسبت به تغییر انتظارات افزایش رشد

سهم پول از نقدینگی به حوالی ۲۵ درصد رسید

نسبت پول به نقدینگی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های سیالیت پولی است. این نسبت در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۰.۴ درصد بود؛ یعنی از هر ۱۰۰ تومان نقدینگی، حدود ۲۰ تومان در قالب پول برقی داشت. اما در پاییز ۱۴۰۴ این سهم به حدود ۲۵ درصد رسیده است. این افزایش ۴.۶ واحد درصدی نشان می‌دهد وزن منابعی که قابلیت خرج شدن با جابه‌جایی سریع دارند، در کل نقدینگی از ۲۴.۴ درصد در پاییز ۱۴۰۳ به حدود ۲۵ درصد در

در مقابل، سهم شبه‌پول از نقدینگی از ۷۹.۶ درصد در سال ۱۴۰۰ به حدود ۷۵ درصد در پاییز ۱۴۰۴ کاهش یافته است. شبه‌پول همچنان بخش غالب نقدینگی است، اما وزن آن نسبت به ابتدای دوره کمتر شده است. در سال ۱۴۰۱ نسبت پول به نقدینگی به ۲۵.۷ درصد رسید، در سال ۱۴۰۲ به ۲۴.۳ درصد کاهش یافت و در سال ۱۴۰۳ دوباره تا ۲۵.۹ درصد بالا رفت. در پاییز ۱۴۰۴ نیز این نسبت حوالی ۲۵ درصد ایستاده است؛ سطحی که نشان می‌دهد سیالیت نقدینگی نسبت به سال ۱۴۰۰ همچنان بالاتر مانده است.

سیالیت از مسیر سپرده‌های دیداری بالا رفت

افزایش سهم پول از نقدینگی الزاماً به معنای جهش پول نقد فیزیکی نیست. جزئیات داده‌ها نشان می‌دهد بخش اصلی رشد پول از مسیر سپرده‌های دیداری رخ داده است، نه اسکناس و مسکوک. اسکناس و مسکوک در دست اشخاص از ۸۶.۴۳ همت در سال ۱۴۰۰ به ۲۲۳.۰۴ همت در پاییز ۱۴۰۴ رسیده؛ یعنی حدود ۱۵۸ درصد رشد کرده است. اما سپرده‌های دیداری از ۹۰.۱۵ همت به ۳۱۶۲.۳۹ همت افزایش یافته و بیش از ۲۵۱ درصد رشد کرده است.

بنابراین بخش عمده پولی که نقدینگی را سیال‌تر کرده، در حساب‌های دیداری و قابل انتقال بانکی نهسته است. در پاییز ۱۴۰۴ از مجموع ۳۳۸۵.۴۳ همت پول، حدود ۳۱۶۲.۳۹ همت مربوط به سپرده‌های دیداری بوده؛ یعنی بیش از ۹۳ درصد پول در قالب سپرده‌های قابل برداشت و انتقال قرار داشته است. این ترکیب اهمیت زیادی دارد، زیرا سپرده دیداری می‌تواند با سرعت بیشتری به تقاضای مصرفی یا تقاضای دارایی تبدیل شود. از همین زاویه، افزایش سیالیت نقدینگی می‌تواند فشار بالقوه بیشتری بر تورم و بازارها ایجاد کند.

بازاروسرمایه

«بقا» در شهری است که اقشار حقوق‌بگیر آن با سرعتی باور نکردنی به زیر خط فقر سقوط می‌کنند.

زلزله مهاجرت معکوس؛ تبعید طبقاتی به حاشیه و فراتر از حاشیه
برای آن دسته از خانواده‌هایی که به دلیل داشتن فرزند یا محدودیت‌های عرفی، امکان زیست در اتاق‌های اشتراکی وسط شهر را ندارند، تنها یک راه باقی می‌ماند و تن دادن به «مهاجرت معکوس» است. شرایطی که نشان می‌دهد چگونه فقر مسکن در ایران از یک چالش اقتصادی عبور کرده و به یک بحران عمیق ساختاری و اجتماعی تبدیل شده است. حاشیه‌نشینی مدرن، محصول مستقیم این ساختار تبعیض‌آمیز است.

روند جابه‌جایی‌ها نشان می‌دهد که مستاجران سال به سال در حال عقب‌نشینی جغرافیایی هستند. ساکنان مناطق شمالی‌شهر به مناطق مرکزی کوچ می‌کنند، اهالی مناطق متوسط به مناطق جنوبی پناه می‌برند و ساکنان سنتی جنوب شهر، به حاشیه‌ها و شهرهای اقماری فرستاده می‌شوند. اما ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ وضعیت کنونی در بازار کار ابعاد دیگری از این بحران را می‌نمایاند. از ابتدی سال جاری و افزایش تعدیل نیروی کار، در بخش‌های مختلف اقتصادی، درآمد خانوارها به شدت کاهش یافته است. وقتی درآمد یک خانواده کارگری یا کارمندی قطع یا دچار صدمه می‌شود، اولین و سنگین‌ترین ضربه خود را در ناتوانی از پرداخت اجاره‌ها نشان می‌دهد.

این کاهش درآمد، در همپوشانی با فصل نقل‌وانتقالات، زنگ خطر مهاجرت معکوس شتابان به سمت حومه شهرها و حتی مناطق دورتر از حومه را به صدا درآورده است. افرادی که روزگاری در متن شهر زندگی و فعالیت می‌کردند، اکنون به شهرهایی دورتر تبعید می‌شوند که نه از زیرساخت‌های آموزشی مناسبی برخوردارند و نه سیستم حمل‌ونقل کارآمدی دارند. این جابه‌جایی اجباری، علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین رفت‌آمد به مرکز، انسجام خانوادگی و پیوندهای اجتماعی مستاجران را متلاشی می‌کند.

ضرورت بازنگری ساختاری در سیاست‌های کلان مسکن

نگاهی منصفانه به سیمای نابرابر شهرها، ثابت می‌کند که مدل‌های کنونی مدیریت بازار مسکن، اعم از اعطای وام‌های کم‌اثر و جریمه‌های تعزیراتی، به بن‌بست کامل رسیده‌اند. تسهیلات ۳۳ درصدی ودیعه مسکن در ساختاری که با تورم عمومی بالای ۷۰ درصد و رشد ۷۰ درصدی اجاره‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند، شبیه به شوخی تلخی است که تنها بر سردرگمی مستاجران می‌افزاید. پدید آمدن اتاق‌های ۴ متری مشترک و شتاب گرفتن مهاجرت معکوس نیروی کار تعدیل‌شده به حاشیه‌های دوردست، زنگ خطری جدی برای متولیان امر است.

تا زمانی که سیاست‌های اقتصادی کلان در جهت مهار تورم عمومی، ثبات‌بخشی به بازارهای موازی و بازتعریف مسکن به عنوان یک کالای اساسی و نه سرمایه‌ای حرکت نکنند، این زنجیره باطل ادامه خواهد داشت؛ زنجیره‌ای که در هر دور چرخش خود، هزاران خانوار دیگر را از متن جامعه به حاشیه‌های تاریک فرودستی گسیل می‌دارد. رسانه‌ها و کارشناسان وظیفه دارند فراتر از آمارهای تزئینی، این واقعیت عریان و دردناک را به گوش تصمیم‌گیران برسانند؛ پیش از آنکه حاشیه‌ها، متن شهر را در خود هضم کنند.

خبر	
کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت خودرو در هفته اخیر	
	
بر اساس مشاهدات میدانی از وضعیت بازار خودرو، طی یک هفته گذشته میانگین قیمت خودروهای داخلی و مونتاژی در بازار با کاهش روبرو شده و در خودروهای داخلی بین ۴۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان و در خودروهای مونتاژی بین ۱۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان کاهش قیمت مشاهده می‌شود. به گزارش ایسنا، روند قیمت برخی از خودروهای داخلی و خارجی‌بر مخاطب در بازار خودرو طی هفته اخیر حاکی از روند کاهشی قیمت خودرو در بازار دارد. این در حالی است که طی دو ماه اخیر وضعیت بازار خودرو با رشد چشمگیری روبرو بود و در بعضی از خودروها قیمت به صورت غیر منطقی افزایش داشت. با این حال، به نظر می‌رسد با وجود اینکه قیمت‌ها همچنان بالا بوده و با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارد، اما بازار خودرو در حال حاضر شروع به کاهش قیمت‌ها کرده و با توجه به اینکه از ظهر امروز بازار ارز با کاهش قابل توجهی در قیمت روبرو بود، احتمال کاهش قیمت خودرو تا اواخر امروز و تا فردا شدت بیشتری پیدا کند. بر اساس مشاهدات از قیمت‌گذاری خودرو در بازار آزاد، خودروهای داخلی به صورت میانگین بین ۴۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان طی یک هفته روز اخیر کاهش داشته و کاهش قیمت در برخی از خودروهای مونتاژی نیز در محدوده ۱۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان مشاهده شده است. با این حال، در برخی از مدل‌ها به علت اقتصادی بودن قیمت تقاضا همچنان بالاست و شاهد افزایش قیمت نسبت به هفته گذشته هستیم.	

دلار در صورت بهبود فضای سیاسی تا ۲۸ درصد افت می‌کند

دلار در سراسرآشیی؟

تجارت‌نیوز گفت: «قیمت در بازار، تابعی از عرضه و تقاضاست و همواره نوساناتی را تجربه می‌کند. تجربه سه‌سال‌های ۹۷، ۹۹، و زمستان ۱۴۰۱ نشان داد که چگونه قیمت دلار از ارزش ذاتی فاصله گرفت و دوباره به مدار تعادلی بازگشت.»

او افزود: «در نوروز ۱۴۰۴ نیز، با وجود اینکه دلار تا ۷۸ هزار تومان پایین آمده بود و پتانسیل رسیدن به ۷۰ هزار تومان را داشت، اما جنگ ترمز قیمت را کشید.» ربوبیور تأکید کرد: «با وجود رخدادهای سیاسی اخیر، قیمت دلار در حال حاضر از ارزش خود فراتر رفته و دچار حباب است.»

افت واردات رسمی و قاچاق، مانع بروز قیمت دلار شد

این تحلیلگر بازارها در خصوص چرایی رشد نکردن قیمت دلار در تنش نظامی اخیر، مطرح کرد: «دلیل اصلی این اتفاق، کاهش چشمگیر تقاضاست. وقتی مرزها بسته است، واردات رسمی و قاچاق به حداقل می‌رسد. در شرایطی که سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار ارز برای قاچاق و واردات از کشور خارج می‌شد، مسدود شدن این مسیرها تقاضای خروج ارز را سربار به دولت کرده است.» او افزود: «تا زمانی که مرزها بسته است و تقاضای واقعی برای واردات کالا به چرخه بازنگشته، احتمال رشد شدید قیمت دلار پایین است.»

در سناریوی متوسط و فضای خاکستری فعلی، قیمت دلار تا پایان سال می‌تواند

فرموده ۲۸ تا ۲۹ درصد رشد کند

ربوبیور در ادامه به ریسک سرمایه‌گذاری در بازار ارز اشاره کرد و گفت: «در شرایط

خاکستری فعلی، قیمت دلار پتانسیل حرکت تا میانه کریدور بیستم را دارد؛ در حالی که ارزش ذاتی آن ۱۳۰ هزار تومان است. این یعنی در سناریوی متوسط و فضای خاکستری فعلی، قیمت دلار تا پایان سال می‌تواند حدود ۲۸ تا ۳۹ درصد رشد کند.»

این کارشناس بازارهای مالی عنوان کرد: «با این حال، با توجه به اینکه اوراق بدون ریسک، سود ۳۹ درصدی پرداخت می‌کنند، بنابراین در شرایط فعلی، نگاهمان به دلار به‌عنوان یک دارایی پربازده باید با احتیاط همراه باشد.»

او هشدار داد: «در صورت بهبود فضای سیاسی و برگشت قیمت به ارزش ذاتی، دلار با ریسک افت ۲۷ تا ۲۸ درصدی مواجه می‌شود.»

زمانی که نیاز به واردات کالا با هر طریقی دوباره به بازار تحمیل شود و ذخایر کالاهای اساسی به اتمام برسد، زمان واقعی تحرک تقاضاست

این تحلیلگر بازارها درباره نقطه چرخش بازار ارز گفت: «زمانی که نیاز به واردات کالا با هر طریقی و سربار به بازار تحمیل شود و ذخایر کالاهای اساسی به اتمام برسد، زمان واقعی تحرک تقاضاست. آن موقع است که قیمت دلار از ارزش ذاتی فاصله خواهد گرفت و سناریو تغییر می‌کند.»

در شرایط خیلی بد، قیمت دلار ارقام نزدیک به کریدور سی‌ام را نیز خواهد دید

ربوبیور با اشاره به سناریوهای پیش روی دلار خاطرنشان کرد: «در حالت متوسط



که همین فضای خاکستری فعلی است، قیمت دلار تا میانه کریدور بیستم حرکت می‌کند. در شرایط خیلی خوب و حصول توافق، قیمت به ۱۳۰ هزار تومان نزدیک می‌شود و در شرایط خیلی بد، دلار ارقام نزدیک به کریدور سی‌ام را نیز خواهد دید.»